



صنعت زدایی و صنعتی شدن مجدد در خاورمیانه

نوشته: چارلز بیسون ترجمه: روزبه بیران

نقل از: «مجله بین المللی مطالعات خاورمیانه»، جلد ۱۲، شماره ۴، دسامبر ۱۹۸۰ صفحات ۴۶۹-۴۷۹

و هشتاد و مقدار تولید از چهارمیلیون لوازم نسوجات به یک میلیون و پانصد هزار تواره کاهش یافته است.^(۱) در سال ۱۸۶۸ کمپسیون دولتی ترکیه اعلام داشت که در ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته از ۱۸۳۸ تا بعد تعداد دستکارهای پارچه بافی استانبول از دوهزار و هفتصد پنجاه به بیست و پنج دستگاه و کارگاه‌های تولید نسوجات ز بافت از سصد هفتاد کارگاه به چهارکارگاه و کارگاههای ابریشم بافی تریزین از شصت کارگاه به هشت کارگاه کاهش یافته است.^(۲) اقول صنایع نسوجات پارچه بافی ابریشم برپا شده قبل از ۱۸۳۸ سال تولید بود. پسال ۱۸۳۲ در این شهر بیست هزار دست لباس تولید می شد ولی این رقم در ۱۸۴۶ به سوره هزار دست و در ۱۸۴۶ به سه هزار دست تقلیل یافت.^(۳) در مورد ایران چه گزاره‌ها و ارقامی در دست نیست لیکن گزاره‌های کنسول انگلیسی در دهه ۱۸۴۰ مبدارک فرانکه موجود نیز نشان می دهد که صنایع بافندگی و سنتی عراق نیز با نشان کاتال ستورک کاهش قیمت مسوجات وارده به کشور انحطاط شدید خود را آغاز کردند. در تونس رشته‌های کلاه دوزی، پارچه‌های بنی‌های و ابریشمی، سخت افرا، جرم و سفالگری و سرامیات به نسجی و درافزون ارفاق با خارجیان صدمه دیدند و در بغداد، بازارهای صادراتی باقیمانده خود و سپس بخش اعظم بازارهای داخلی خود را نیز از تک دادند.^(۴)

با این حال نباید در باب سرعت و گستردگی انحطاط صنایع خاورمیانه را، مبدارک فرانکه و این بشکونان اریطانات شمیت بود، که سبب شد صنایع دستنی نواحی داخلی و دور افتاده از مهنها پس از انحطاط آن در نواحی ساحلی به حیات خود ادامه دهد. گزاره‌های کنسولی انگلیسی و فرانسه در ترکیه بین سالهای ۱۸۴۵ - ۱۸۵۵ نشان بهر دهد که در ده‌های جدید مرادین (Mardin)، دیار بکر، مالاتیا (Malatya) و حتی فرنیه کارگاههای بافندگی دستنی و صنایع کارگاهی نسج، جرم و صنعت کاری فعال باقی مانده بودند. در آنسایه جنگ جهانی اول چیزی دهم در هزار چرخ دستبافی در آنتالیای غربی (Antalya)، مرمره (Burdur)، دنی زبلی (Denizli) و چندین هزار نیزه در نواحی شمالی وجود داشته است.^(۵) لیکن ذکاوت که در ترکیه همچون سایر نقاط بافندگان از طریق استفاده از نخ ابرارانی فرزندهای تولید خود را به میزان زیادی کاهش دادند لذا انقلاب صنعتی که به نمانه خرابی، روستدگان و انجمنیبد به بافندگی برای این‌ها زدگی مرددکنان و معزول خود

ذکاوت، بین این شهرها در کاشه‌های تولیدی متعدد تقسیم کاری صنوبر و طریق به جنبه‌ی نسج و جرم و نسجی که هرچند در فرایند تولیدی خاص منحصص به شمار می‌رفتند.^(۶)

مشک‌های انقلابی و جنگ‌های نابینو برای صنعتی شدن منطقه فرصت مغتنم و کوتاه بود. لکن در دهه‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ صنایع منطقه از رفاهت تمام عیار اروپائیان خسران فراوان دیدند. کارخانجات اروپا محصولات ارزانی به بازار محلی می‌فروختند و صلح و امنیت دم افزون میفرستاده امکان حمل این قبیل اجناس به خاورمیانه آن هم با هزینه‌ای ناچیز را ممکن می‌ساخت. آنسای با کشتی بخار و دهه‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ کسی بعد با کشتی‌های فولادی و بهسازی مداوم هر دو نوع کشتی، کاهش نرخ‌های ارسال کالا را به همراه آورد که تا پایان قرن بیرون وقفه ادامه داشت. در کنار مباحث با شدت از انعقاد قراردادهای متحد بین کشورهای خاورمیانه و حکومت‌های اروپایی نیز نباید غفلت کرد. قراردادهایی که حقوق گمرکی اجناس وارداتی را در حد سابقین ثابت نگاهداشته و لذا بازار خاورمیانه را بر روی کالاهای خارجی کثرتد: قرارداد روسی و ترکیه در افراسیوس (Adrianople) در ۱۸۳۹، قرارداد مجاری انگلیس و ترکیه به سال ۱۸۴۸، قرارداد روس و ایران در ۱۸۲۱ و ۱۸۲۸، قرارداد ایران و انگلیس در ۱۸۲۱، قرارداد انگلیس و مراکش در ۱۸۵۵ از آن جمله‌اند. در نتیجه در ترکیه و ایران عوارض گمرکی و سایر عوارض گمرکی هم می‌باید داشته‌اند. در عروق می‌رفت.^(۷)

در آغاز تاریخ‌سازیر پیش گفته به نبردها و نواحی ساحلی محدود بود لیکن در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم به نهمی بهبود راه‌ها و وصل مغل رضی، این فرایند ایران را به سایر نقاط نیز کشید.^(۸)

(چنین روشنی) بر صنایع نساجی خاورمیانه اثری قانع آمیز داشت. کنسول فرانسه در سال ۱۸۴۵ گزاره داده است که تعداد چرخ‌های پارچه بافی شصت حلب به هزار و پانصد، و چرخ‌های پارچه بافی شهر دمشق به هزار کاهش یافته است. حال آنکه هر دو شهر (در گذشته) بر رویهم دوازده هزار دستگاه پارچه بافی داشته‌اند.^(۹) در سال ۱۸۴۶ کنسول انگلیس در حلب نیز اعلام کرد که در ۱۰ سال گذشته تعداد دستگاههای پارچه بافی آن شهر از ده هزار به دوهزار

۲۰۰۰ سال اخیر خاورمیانه نیز همچون نقاط بسیاری از جهان فرایند صنعت زدایی و صنعتی شدن مجدد متعاقب این‌ها از سر گرفته شده است. اقول صنایع دستنی با مهنها پس از جنگ جهانی اول همچنان ادامه داشت. در عین حال از هرالی دهه ۱۹۸۰ کشتیهای جدید چینی ریش صنایع کارخانه‌های اروپایی چنگه‌های دوم به بعد با معرفی صنعتگر اروپاییان یافته و اوایل قرن وسطی زمان اقل اکثر صنایع خاورمیانه بود و شواهد بسیاری نشان می‌دهد که حداقل از قرن هیجدهم به بعد برخی از این صنایع از رفاهت با صنایع هندوستان و حتی بیشتر از آن در مد اف با کالاهای اروپایی بدمت ز میان بیفتد. برهم این اساس از قرن مقدمه به بعد کالاهای دهنوئوسی بازارهای صادراتی خود در فرانسه بازار دست دادند.^(۱۰) در نیمه دوم قرن هیجدهم صادرات پارچه کتان و لباس و نخ بنمایه مصر و سوریه به انگلستان به شدت کاهش یافت که از جهتی معلول برقرار کردن حقوق گمرکی تحت عنوان حمایت از صنایع داخلی در کشورهای وارده کننده و به نحای نتیجه بیشترت کتولونگی اروپا و بالاخره از اروپای صادرات بنده و کتان و پشم چینی از ارض سالی صادرات مسوجات بنانه شد و از یک مقابل وارد کردن مسوجات اروپایی و انقلابی چون کاغذ، شیشه، ابزار و آهن آلات و سایر کالاهای ساخته شده شدیداً فروتنی گرفت. (۳) مبدارک موجود نشان می‌دهد که حداقل از اواخر قرن هیجدهم در پورسا (Bursa) کاهش تولید و صادرات لباس‌های ابریشمی یا افزایش شدید صادرات ابریشم هزار شده است.^(۱۱) برای مثال در بخش اروپایی امپراطوری عثمانی یعنی استانبول، سالیانه با آدرنا صنایع نساجی نیز به اقل گرفتند. (۵) صاحب نظران اروپایی به استنباط سوریه پیوسته از کیفیت صنایع نسجی خاورمیانه به سختی گفند بودند.^(۱۲)

البته درتصور این‌ها نباید مبالغه کرد. شهرهای خاورمیانه صدها هزار دستکار دستی را در خود جای داده بودند که تولید پشمی از کالاهای ساخته شده صرفی بهره‌اشغال داشتند و این را سلسله دستکاران استانبول، پورسا، استانبول، آمیز، آنکارا و توکات (Tokat) در ترکیه، حلب و دمشق در سوریه، بغداد و موصل در عراق، اصفهان، تبریز، یزد، کاشان، شیراز و همدان در ایران، قاهره و ممالا (Mahalla) و سیرت و قلمرو در مصر، تونس و مراکش در شمال آفریقا، قابل

فرد پشتری اعطاء کر کے، مشایخ ابن امر در صومالیہ نقل کرنا، براساس سرشماری سال ۱۹۷۷ پیش از تصدیق خوردن صنعتکاران بسیاری را جنگ جهانی دوم و پس از آن به حیات خود ادامه دادند. در سوریه تخمین سالانه آمیزی تعداد صنعتکاران فعال را درست قبل از شروع جنگ جهانی اول برابر صد هزار نفر اعلام می دارد و در اوایل دهه ۱۹۳۰ حدود چهار هزار باشند دستی و صنعتکاران انبوه دیگری وجود داشتند^(۱۸)، مشفق در اوایل سالهای ۱۹۴۰ به بعد هنوز مصر را با بارچه های ابریشمی خود که از ابریشم خاکی سفید بافته شده بود، تغذیه می کرد^(۱۹). در بغداد بسال ۱۹۷۷ تصد کار کار بافندگی دستی وجود داشت که پنج میلیون یاره بارچه بنیاده و باصدهزار یاره بارچه ابریشمی تولید می کردند^(۲۰). در ایران تا حدود ۱۹۵۰ زبید به بیست هزار صنعتکار دستی و پیش از این تعداد در صنایع کارگاهی دیگر به کار اشتغال داشتند^(۲۱). در تونس نیز جنگ جهانی دوم و پس از آن صنعتکاران بسیاری به حیات خود ادامه دادند^(۲۲).

علاوه بر همه آنچه که یاد شد، برخی از صنایع دستی منطقه در واقع به علت افزایش نیاز بازار جهانی به برخی از محصولات خاورمیانه رشد نیز داشتند. برخی از این کارگاهها به تبدیل مواد خام تحت صادرات می پرداختند که تریاک، حنا و چرم ایران از جمله آنها^(۲۳)، لیکن در ایران راستا، قالی پرچمنه نیز مثال بنیادین می رود. برای صنایع نساجی تعداد کمی کالی لوکس از ترکیه و ایران به اروپا صادر می شد لیکن در اروپا به حدود ۱۸۷۰ بود که صادرات به مقیاس وسیع صورت می گرفت. در مدیون افزایش تقاضا، کاهش هزینه های حمل و نقل و سرمایه گذاری اروپایی در صنایع قالی ایران و ترکیه^(۲۴)، در نتیجه تعداد نساجان ساکن آن

در دهه ۱۸۶۰ بین امر مشغول شدند و در سال ۱۹۰۸ چهار انگلیسی با سرمایه های برابر دو میلیون لاره که بعداً به ۵ میلیون دلار افزایش یافت، شرکت سهامی تولید کالی در لندن را تأسیس کردند. از این رهگذار میزان محصول چندین برابر شد. در سال ۱۹۱۲ میلادی صادرات قالی از ترکیه به ایران با رشد و شتاب و چهارتن متریک به ارزش سه میلیون دلار، در مقابل عرضه یک میلیون و پانصد هزار یاره در سال ۱۸۹۹، بالغ گشت. گروه جهانی اول و جنگ استقلال ایران، باعث گشت رونق افزایش فرارماندیش شد. با طرغم بیرونی صادرات و در اوایل دهه ۱۹۲۰ صادرات قالی از آن پس به اوج اول نهاده^(۲۵). در ایران نیز سرمایه انگلیسی مختصری در قالی باقی اختصاص یافته بود و صادرات آن در ۱۹۰۰ به میلاریا به سرعت به بیست و پانصد هزار یاره در سال و در ۱۹۱۲ به پنج میلیون دلار رسید که به نسبت همزمان صادرات ایران به حساب می آمد^(۲۶)، امر قالی باقی در ایران بیش از ترکیه رونق داشت و تا اوایل دهه ۱۹۵۰ خود چیزی حدود صدوسی هزار تن پشم سفول بودند و صادرات آن به هزاره ها، صرفاً برای بافندگی کالی در مساجد کاشمیر، هند و پاکستان بود^(۲۷). در مصر، سوریه، تونس و مراکش نیز کم و بیش بطور مداوم ادوات، ماشین آلات و به ایران نسبت که در دستمزد و در صنایع دستی مورد بحث در

سطوح، سابقین باین ثابت نگاهداشتند که صنعت دستی خاورمیانه با افول صنایع دستی منطقه فرایندی کند بود و صنعتی نشده مجدد منطقه نیز ظهور کارخانه های اروپایی نیز به تالی انجام گرفت، از ظهور نخستین و جوهراترین گرایش ها از سوی حدهای دولتی در مصر، برجه، به قبل آمدن سوریه که در ۱۸۶۸ میلادی میزان سرمایه گذاری صنعتی مصر به شصت میلیون دلار رسید و چیزی حدود سی هزار تن در صنایع کار مشغول گردید که بنا بروجه به جمعیت چهارمیلیونی مصر رقم قابل ملاحظه ای به شمار می رفت. اما کارخانه های احداث شده توسط حدهای دولتی که عمده حواصن نظامی و ارتقعی می باشند، تا هم با صرف ازتری قراون و نظارت ادیمی او به حیات خود ادامه دادند و در ایران نیز کارگاهی رنج می بردند و تنها از طریق حمایت پدیدرخ انحصارات دولتی برای ماندن بود^(۲۸)، اما تکاملی کند شمار تراش افول تولید یافت و پس از شصت ۱۸۶۱ که به اجماع فرارواد انگلیسی تری کرد که در ۱۸۷۳ میلور شد، صنایع مورد بحث به افولی شدید دچار شدند که تا حدودی که در زمان دولت زن جانیشین جانشین امیر بود که با رفتن و با بافندگی فرش و رهن به بخش خصوصی ارتقا گرفت و در ۱۸۸۱ پیش از آنکه حدهای دولتی در تلاکت صنایع ارتقا گرفت و در مصر از طریق ایجاد رعیسی مناسبتی برای ایستاد و با دستیابی حدهای دولتی در صنایع خویش و میزور کردن مابقی به بازگشت به روسا برای تأمین نیروی کاری که در زمینه نساجی به نسبت روسها بود، همسر باره به معاف افتاد.

در ترکیه نیز کوشش مشابه لیکن محدودتری در جهت ایجاد کارگاهها، دولت با پایه عتدنا با در یک دهه

شماره ۴ / صفحه ۱۱

صنعتی در خاورمیانه، عهدنا از لگنوی «جایگزینی واردات» پیروی کرده است.

آفریقا در محصول صنعتی جهان فقط حدود ۱/۵ درصدی است و فقط در برخی از شاخه ها، مثل نساجی و پتروشیمی، بطور قابل ملاحظه ای بالاتر است.

نظامی بعمل آمد این کارخانجات در اوج فعالیت خود در سال ۱۹۰۵ گزارش داد که در ایران هزینه حمل مائین آلات، سنگین تر از آن است که بتوان تحمل کرد و در حال حاضر هیچ نوع وسیله نقلیه ای که بتواند آن را به تهران برساند^(۲۸)، اوضاع در ترکیه تا قبل از آنکه در این در داخل کشور مستقر شود بسیار بدندان نبود.

در مصر نیروی کار از زمان وضع بود، اما در ایران تا به حال یک میلیون هفتاد هزار نفر، نیروی کار و کالاهای گوناگون وارد آنجا می شد. هرگونه حقوق گمرکی تعیین نکرده بودند.

در رابطه با بازار داخلی (باید گفت که جمعیت کم بود، کلیتاً به چیزی نزدیک ۱۵ میلیون نفر محسب داشت در مصر ۱۵ میلیون، ایران حدود ۱۰ میلیون و سایر کشورها برابری از این اقلام نیز کم، در امدت فراد بسیار پائین بود و در علت غلبه

در واقع بازرگانی هندی و انگلیسی در سال ۱۹۰۵ گزارش داد که در ایران هزینه حمل مائین آلات، سنگین تر از آن است که بتوان تحمل کرد و در حال حاضر هیچ نوع وسیله نقلیه ای که بتواند آن را به تهران برساند^(۲۸)، اوضاع در ترکیه تا قبل از آنکه در این در داخل کشور مستقر شود بسیار بدندان نبود.

در مصر نیروی کار از زمان وضع بود، اما در ایران تا به حال یک میلیون هفتاد هزار نفر، نیروی کار و کالاهای گوناگون وارد آنجا می شد. هرگونه حقوق گمرکی تعیین نکرده بودند.

توانایی در افزایش باروری کشاورزی، باین نیز نگاهداشتند. در امدت فراد بسیار بدندان نبود.

در مصر نیروی کار از زمان وضع بود، اما در ایران تا به حال یک میلیون هفتاد هزار نفر، نیروی کار و کالاهای گوناگون وارد آنجا می شد. هرگونه حقوق گمرکی تعیین نکرده بودند.

در رابطه با بازار داخلی (باید گفت که جمعیت کم بود، کلیتاً به چیزی نزدیک ۱۵ میلیون نفر محسب داشت در مصر ۱۵ میلیون، ایران حدود ۱۰ میلیون و سایر کشورها برابری از این اقلام نیز کم، در امدت فراد بسیار پائین بود و در علت غلبه

در واقع بازرگانی هندی و انگلیسی در سال ۱۹۰۵ گزارش داد که در ایران هزینه حمل مائین آلات، سنگین تر از آن است که بتوان تحمل کرد و در حال حاضر هیچ نوع وسیله نقلیه ای که بتواند آن را به تهران برساند^(۲۸)، اوضاع در ترکیه تا قبل از آنکه در این در داخل کشور مستقر شود بسیار بدندان نبود.

در مصر نیروی کار از زمان وضع بود، اما در ایران تا به حال یک میلیون هفتاد هزار نفر، نیروی کار و کالاهای گوناگون وارد آنجا می شد. هرگونه حقوق گمرکی تعیین نکرده بودند.

در رابطه با بازار داخلی (باید گفت که جمعیت کم بود، کلیتاً به چیزی نزدیک ۱۵ میلیون نفر محسب داشت در مصر ۱۵ میلیون، ایران حدود ۱۰ میلیون و سایر کشورها برابری از این اقلام نیز کم، در امدت فراد بسیار پائین بود و در علت غلبه

در واقع بازرگانی هندی و انگلیسی در سال ۱۹۰۵ گزارش داد که در ایران هزینه حمل مائین آلات، سنگین تر از آن است که بتوان تحمل کرد و در حال حاضر هیچ نوع وسیله نقلیه ای که بتواند آن را به تهران برساند^(۲۸)، اوضاع در ترکیه تا قبل از آنکه در این در داخل کشور مستقر شود بسیار بدندان نبود.

در مصر نیروی کار از زمان وضع بود، اما در ایران تا به حال یک میلیون هفتاد هزار نفر، نیروی کار و کالاهای گوناگون وارد آنجا می شد. هرگونه حقوق گمرکی تعیین نکرده بودند.

همان کاری را انجام می دهد که در اروپا یا ایالات متحده تنها یک مرد در آن آصفه یا ابزارهای مشابه انجام می دهد. این امر بریزه در کارخانه های دولتی محسوس است زیرا به دلایل سیاسی بنگاه ها مجبورند تا چند برابر تعداد کارگران مورد نیاز خود استخدام کنند. این وضع در کارخانه های برخی صنایع خصوصی نیز شناخته شده است. به این دلیل نسبت به تولید مساحین پیاده بوده و در کچه دستمزدها بسیار کمتر از کشورهای پیشرفته است هزینه نیروی کار در واحد محصول بالاست. پائین بودن تولید سرانه در موارد مختلف منجش و بهره وری نیروی کسان مانند مقدار سیمان یا آنتیپیل به ازاء هر کارگر و یا تعداد توپ های پر شده توسط هر کارگر متعکس می شود. (پ ۹۹) کس شخص جامع تر دیگر مارشال اقزوده به ازاء هر کارگرمند است.

این رقم برای سال ۱۹۷۷، برای مصر ۱۴۰۰ دلار در سال، برای ایران و آرمین ۲۵۰۰ دلار برای عراق ۳۰۰ دلار برای تونس ۳۱۰۰ دلار و برای ترکیه ۶۰۰۰ دلار بود که در این مورد تا حدی بعلت نرخ های صنعتی باالی مبادله ارز بوده است.

رقم مورد بحث برای اسرائیل ۷۲۰۰ دلار و برای کویت ۱۹۰/۵۰ دلار اعلام شده است. برای پول بالای تولید و کویت متعکس کننده جدید بودن سرمایه بری بیرون افکار صنعت پرورششده آن کشور است. برای مقایسه هر رقم مورد بحث در سایر نقاط جهان بدین شرح به دست آمده است: ۱۰۰ دلار، آلمان، ۵۰۰۰ دلار، ایتالیا ۱۰۰۰ دلار، ایالات متحده ۲۱۵۰۰ دلار، (۲۷).

مرد آنکه، حجم کم و کوچک بازار محلی امکان احداث مجتمع های عظیم را منتفی می سازد. این امر خاصه در مورد آسیا چون تروپ فولاد کارخانجات اتومبیل سازی و سایر صنایعی که صرفه جویی های مقیاس بر آنها مهم است، مصداق دارد.

همین امر باید سبب افزایش شدید قیمت تمام شده آمد (محصول می گردد) (۱۸) علاوه اشک بسیاری از کارخانجات بسیاری پایین تر از ظرفیت خود به کار می روند که در مقیاس ۲۰ تا ۳۰ درصد و یا بیشتر می رسد.

البته این مسأله که نیز به برنامه ریزی غلط (برای مثال) احداث کارخانه در محلی که قادر به تأمین مناسب مواد اولیه برای نانشه و در کیفیت مواد مذکور در آن محل مناسب نباشد) و به همراه تغییر اشیاء و عدم کلیت در سازماندهی مرتب تولید و گاه به عوامل بیرونی خود خلاصی یرق، کمبود مواد اولیه و تلفات و هدررفت محصولات از مردود ناپسند می فرسود است. همه این امور بسیار افزایش قیمت واحد محصول تمام شده می شود.

در یک گزارش کلی، نرخ صنایع خاورمیانه بیش از حدصحت شده اند. در بازار محلی از موافقت انتصابی برخوردارند که نمودار عملت مفروضه است که مستطناً هیچ میان رفعت هرگز آنکه برای کارهای بیشتر می گردد آنچه در وضع بازار بهم می خورد این است که صنایع مانند ایران قبل از انقلاب، ترکیه، تونس، مراکش، عرمان سعودی، اردن و ترکیه اکثر در دست دولت است و یا چون مغرب، الجزایر و لیبی و سوریه و عراق و نیز جزئی تقریباً تمام در دست دولت اداره می شود. مشکلاتی می توان دیدگاه مدیریت صنعتی ای کیفیت تر و مسأله سازتر از مدیریت کارخانه ها و شرکت های صنعتی خاورمیانه تصور کرد.

نیروشن می کند اگر تمامی صنایع خاورمیانه هم با کیفیت به کارمشون می بودند صنایع خاورمیانه از چهره نتوانی اساسی رنج می برد نخست: منطقه در مجموع بنحو مقفیض برخوردار از منابع خام نیست و این تقریباً ایست که قابل تحمل است و بی بهر حال برای بردش تلقی می شود دوم: نیروی کار کچه از جهانی بسیار ارزان از نیروی کار نیست که منطقه صنعتی خود در بنه های سال قبل و یا از افاز در آن کل تنفرد از فقدان سلاخی جسمی، تقایه مناسب، مساکن مترامک و عدم برخورداری از تعلیم و تربیت و تخصصی که برکارگر صنعتی فرزن است. رنج می رسد صنایع در منطقه هنوز تا حدی بدان توسعه یافته و به شروع نگراشته اند تا از مزایای کامل رشد و رومی، از جمله نیز صنایع متالی و ماهیهد و صراره جوئی خارجی سود بند.

به علاوه مانده گی سایر بخش های اقتصاد - حمل و

تلقای بیرون کشوری، و از فبره و به صنعت سدده می زند که قاپا کالا و خدمات ناکافی و ناراضگانه که معرپ به صنعت عرهم می کند و بر تولید صنعتی از اردت و تربیت مصحولات را می کند. تمامی اینها مقطعات درست است. اما این حقیقت نیز وجود دارد که بسیاری از صنایع توسعه های ناصواب دریافت می کنند و در انتها به محصول ملی نی افزایند. بلکه وارزش افزوده منفی می ایجاد می کنند. برای ممتی که ارزش محصولانشان از ارزش منایهی که مصرف کرداند کمتر است، منایهی که می توانست در جاهای دیگر بگو شایسته ای بکار گرفته شود مثل صنایع صنایع هواپیمایی، آتومبیل و فولاد در تقریباً همه کشورهای منطقه است. اقداماتی تصحیحی، با فوریت لازم، باید همه ملاحظات که مورد توجه قرار گیرند مشخص می شوره که در صنعتی شدن دوبراه خاورمیانه درجهت توسعه و نیازند است. فرایند در همه جا حداقل در درازمدت تولید افزایش یافت و منطقه از چنین امری بهره بردار خواهد بود.



مأخذ و توضیحات

ذکر ترجمه -

ترجمه این مطالب یعنی قبول همه فرضهای چارلز عیسوی نیست و جای به جای می توان به مقاله ایرانیهای اصولی گردت و لی در مجموع می تواند برای درک گذشته صنایع کشورهای منطقه و آنچه که در این راهی در دسترس است مبدل شود.

توسعه صنایع تحت نظارتیه در همه حاضر مورد توجه قرار گرفته است. نکت اینچنان تلقی کمتند است که در اقتصاد دولتمکندار: نکت بازمی می کند که به چاره جود در این بعد دلتا ناله می شد. تصویر را کملاً بیگونه می ساخت لذا خلقت صنعت به گونه ای بکار گرفته است. تناسبی صنایع و معائن بجز نکت را در برگیرد (توضیح مؤلف)

باید توجه داشت که این مقاله در پایان سال ۱۹۸۰ میلادی نوشته شده است و ارقام مذکور نیز مربوط به آن دوره است (م)

1. Charles Joshi, "The Decline of Middle Eastern Trade", in D. S. Richardson, ed., *Islam and the Trade of Asia* (London, 1970), and Abdol Rahman, *Arise, O Commerce of Cairo* (in *XXVIII Sted. Lib.*, 1973), pp. 249-12. F. H. Arthur, "I, claim on commerce", *Journal of Modern Economics*, 1973, pp. 118-31.

2. Report of the Committee on the Comparative Study of the Life-Term Tax Planning...

3. Pierre Penet, *Les Transformations des corps de métier de Tunis* (Tunis, 1947), p. 211.

4. Raymond, *Arabic*, pp. 179-81; Paul Mason, *Histoire de commerce* (Paris, 1959), pp. 197-200.

5. Report of Arthur, 1862, Public Record Office, F series 97241. Other, sometimes incompatible, figures have been given: "The number of Aleppo's textile looms which had reached in part a record of 21,000, diminished to about 3,500 in 1876 and rose back to 10,000 in 1890." Similarly, the number of looms in Damascus fell from some 14,000 in 1850 to about 4,000 in the late 1890's." Mosley, *Muslim*, *Christian Reforms in Syria and Palestine* (Oxford, 1908), p. 179.

6. Richard S. Tedlow, "The Turkish Cotton Industry in the Nineteenth Century", *Journal of Modern Economics*, 1973, pp. 249-12.

7. Charles Joshi, *The Economic History of the Middle East, 1800-1914* (Chicago, 1972), pp. 70-78, hereafter *EHEM*; *The Economic History of the Middle East, 1800-1914* (Chicago, 1972), pp. 70-78, hereafter *EHEM*; *EHT*, Chapter VI, pp. 101-103.

8. Dominique Chevillon, *La Syrie de Mossoul* (Paris, 1971), pp. 277-280.

9. Report of Arthur, 1862, Public Record Office, F series 97241. Other, sometimes incompatible, figures have been given: "The number of Aleppo's textile looms which had reached in part a record of 21,000, diminished to about 3,500 in 1876 and rose back to 10,000 in 1890." Similarly, the number of looms in Damascus fell from some 14,000 in 1850 to about 4,000 in the late 1890's." Mosley, *Muslim*, *Christian Reforms in Syria and Palestine* (Oxford, 1908), p. 179.

10. Kenneth Pomeroy, *The Cotton Industry in the Levant* (London, 1912), p. 118.

11. W. A. Lewis, *Modern Turkey and the Arab East* (London, 1951), p. 118.

12. Pierre Penet, *Les Transformations*, pp. 211-24.

13. *EHT*, Chapter VI.

14. *EHEM*, pp. 453-4.

15. S. H. Hirsch, *The Economic Organization of Syria and Lebanon* (Beirut, 1976), pp. 130-31.

16. *EHEM*, pp. 453-4.

17. For details see *EHT*, Chapter VI, and (Rahn Kurum), *Imperialism Türkiye* (Istanbul, 1974), pp. 135-36.

18. Penet, *Les Transformations*, pp. 211-24.

19. *EHT*, pp. 101-103.

20. For details see *EHT*, Chapter VI, and (Rahn Kurum), *Imperialism Türkiye* (Istanbul, 1974), pp. 135-36.